

تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۵-۴۲

مقاله علمی- پژوهشی

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار

محمود محمدی

استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، کرج، ایران

m.mohamadi@cfu.ac.ir

DOI: 10.22059/JIHS.2022.345617.371691

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳)

چکیده

این مقاله به تأثیرات اجتماعی سیاسی مدرسه دارالفنون در ایران دوره قاجار می‌پردازد. اغلب پژوهش‌ها و تحلیل‌هایی که در باره مدرسه دارالفنون انجام شده است به چگونگی شکل‌گیری این مدرسه پرداخته‌اند، اما این مقاله به پیامدهای اجتماعی و سیاسی مدرسه دارالفنون در ایران می‌پردازد. مقطع زمانی مورد بررسی دوره قاجار، به‌ویژه دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) است. این مقاله با بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که مدرسه دارالفنون سه پیامد اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی ایران داشته است: ۱- مدرسه دارالفنون شیوه واگذاری نقش‌های سیاسی در دولت قاجار را تغییر داد؛ ۲- فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون نیروهای متخصص مورد نیاز دولت قاجار را فراهم می‌کردند و نقش مهمی در برپایی برخی نهادهای سیاسی اجتماعی جدید در ایران داشتند؛ ۳- آموزش برنامه‌های درسی دارالفنون دانش‌ها و مفاهیم جدیدی را در دولت قاجار و جامعه ایران منتشر ساخت. اشاعه این دانش‌ها و مفاهیم جدید باورها و نگرش‌های حاکم به طبیعت، جامعه و سیاست را تغییر داد. دستاوردهای این مدرسه در توسعه و گسترش علوم و فنون جدید زمینه‌های عینی و ذهنی برخی از تحولات اجتماعی و سیاسی را در دولت و جامعه ایران فراهم ساخت. بررسی تاریخی پیامدهای مدرسه دارالفنون نشان می‌دهد که هر گونه سیاست‌گذاری علمی و آموزشی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی خاصی را به همراه داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تأثیرات اجتماعی و سیاسی، دارالفنون، قاجار.

مقدمه و طرح مسأله

شکست ایران در دو جنگ (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ق) در برابر روسیه و اختلاف دولت قاجار با انگلستان در واقعه هرات (۱۲۵۴ق)، امنیت دولت قاجار را به خطر انداخت. همچنین خودسری و خودکامگی حکام ولایات، فساد اداری و مالی در میان بزرگان لشکری و کشوری، شورش‌های شاهزادگان و رقیبان سلطنت، بی‌انضباطی حاکم در جمع‌آوری مالیات‌ها و اداره خزانه، تهدیدهای فرقه بابیه، ناامنی داخلی و غارت کاروان‌ها، بیماری‌های مسری ویا و طاعون و قحطی و خشکسالی حاکمیت قاجار را در کنترل مملکت آسیب پذیر ساخته بود. دولت قاجار در مواجهاتی که با دولت‌های همجوار و اروپایی داشت، دریافته بود که اداره مملکت و کنترل اوضاع داخلی به شیوه قدیم ممکن نیست. نظامات حاکم بر ممالک همجوار و فرنگستان به حاکمان قاجاری حالی کرده بود که «بساط کهنه» قاجار در اداره مملکت ناکارآمد است. بنا بر این ناتوانی دولت قاجار در مقابل تهدیدهای خارجی و ناکارآمدی در اداره مملکت و بحران‌های داخلی ضرورت «اصلاح نظام و دیوان» را آشکار می‌ساخت. تشکیل یک نیروی نظامی جدید و دیوانسالاری منظم و توانمند پاسخی به این ضرورت بود. حاکمیت قاجار دریافته بود که برای حفظ امنیت دولت در برابر تهدیدهای خارجی و حفظ توانمندی دولت در مقابل بحران‌های داخلی نیازمند «دولت منتظمی» است که با تربیت کارگزاران کشوری در کنار سربازان لشکری میسر است. بدین ترتیب حاکمیت قاجار به منظور اصلاح قشون و تشکیل نظام جدید از دولت‌های اروپایی کمک گرفت و در ادامه دانشجویانی برای کسب علوم و فنون جدید به اروپا اعزام شدند. با این حال، یکی از مهم‌ترین اقدامات حاکمیت قاجار در تأمین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز دولت در نظام جدید و دیوان برپایی مدرسه دارالفنون بود.

مدرسه دارالفنون اولین نهاد آموزشی جدیدی بود که به منظور رفع نیازهای دولت قاجار در ایران برپا شد (تکمیل همایون، ۱۳۹۷: ۳۳). سبک آموزشی و تربیتی دارالفنون، معلمانی که در آنجا تدریس می‌کردند و علوم و فنونی که در آنجا تدریس می‌شد به کلی متفاوت از آن چیزی بود که تا آن زمان در مدارس قدیمی ایران متداول بود. از این حیث نظام آموزشی که در دارالفنون بنا نهاده شد شکل جدیدی از تربیت جوانان را به نمایش می‌گذاشت که تا آن زمان مرسوم و شناخته شده نبود. مدرسه دارالفنون برخلاف مدارس دینی که گردانندگان آن از علمای دین و روحانیان بودند

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۲۷

از مؤسسات دیوانی و درباری به حساب می‌آمد و از جهت تعطیلی وقت کار و شرکت در سلام اعیاد و سایر تشریفات از رسوم دربار تبعیت می‌کرد. دوره‌های تحصیلی شش هفت سال بود، شاگردان هر یک از شعبه‌ها، لباس یک‌دست خاص خودشان را به تن می‌کردند. ساعت کار مدرسه از ۸ صبح تا سه بعد از ظهر بود و محصلین ناهار را به خرج دولت در مدرسه صرف می‌کردند. با وجود آنکه در این مدرسه علوم جدید تدریس می‌شد ولی عمل به شعائر مذهبی فراموش نمی‌شد و از باب شعائر مذهبی نماز ظهر و عصر را در مدرسه به پیش نمازی معلم عربی و فارسی به‌جا می‌آوردند. بودجه مدرسه نیز از مالیات ملایر و تویسرکان تأمین می‌شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۶۸).

معلمان این مدرسه به دلایل سیاسی از کشور اتریش استخدام شده بودند. زبان تدریس در دارالفنون، فرانسوی بود. اغلب مترجمان معلمان دارالفنون از شاگردانی بودند که در دوران محمد شاه به فرانسه اعزام شده بودند و به زبان فرانسوی تسلط یافته بودند. مدرسه دارالفنون مدرسه‌ای دولتی بود و به دلیل وابستگی به دولت فراز و فرودهای زیادی داشته است زیرا تغییر و تحولاتی که در آرایش نیروهای سیاسی دولت قاجار رخ می‌داد بر فعالیت این مدرسه نیز اثر مستقیمی داشت. با وجود آنکه مدرسه همواره روند رو به رشدی نداشت اما تأسیس این مدرسه و فعالیت‌های آن پیامدها و نتایج اجتماعی سیاسی مهمی در دستگاه قاجار و حیات اجتماعی ایرانیان به همراه داشته است. پژوهش‌های مختلفی درباره چرایی و چگونگی تشکیل مدرسه دارالفنون انجام شده است. در این بخش به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود و تفاوت این مقاله با پژوهش‌های پیشین بیان می‌شود.

ناصر تکمیل همایون (۱۳۹۷) در کتاب دارالفنون توصیف مختصری از چگونگی تأسیس و رشته‌های تحصیلی و اداره و مدیریت این مدرسه ارائه می‌دهد. تکمیل همایون در این کتاب می‌نویسد مدرسه دارالفنون مدرسه‌ای دولتی بود و فقط فرزندان امرا، شاهزادگان و کارگزاران دولت می‌توانستند در این مدرسه به تحصیل بپردازند. نویسنده در این کتاب بیان می‌دارد که هدف دولت قاجار از تأسیس مدرسه تعلیم حکمت و فلسفه و فقه و اصول نبود زیرا که این موضوعات در مدرسه‌های قدیمی تدریس می‌شد بلکه هدف حاکمان قجری آموزش جوانان ایران با علوم و فنون جدید بود تا رفع نیازمندی‌های دولت و حاکمیت قاجار را بکند. تکمیل همایون معتقد است مدرسه

۲۸ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

دارالفنون نقش مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن مغرب زمین داشت و در انقلاب مشروطیت ایران تأثیرات مثبتی باقی گذاشت.

فریدون آدمیت (۱۳۷۸) در بخشی از کتاب امیر کبیر و ایران به مدرسه دارالفنون پرداخته است. او در این کتاب به چگونگی شکل‌گیری دارالفنون، معلمان و رشته‌های تحصیلی مدرسه اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که دارالفنون به عنوان یک نهاد آموزشی و فرهنگی سه تأثیر مهم در جامعه ایران داشت. اول اینکه ناکارآمدی و نقص دانش‌های پیشین در رفع نیازها و ضرورت‌های جدیدی که سر برآورده بودند آشکار شد. دوم اینکه دانش‌ها و فنون غربی به‌طور گسترده‌ای در ایران منتشر شدند. سوم اینکه فارغ التحصیلان دارالفنون پایه‌گذاران اولین جریان‌های روشنفکری در ایران شدند.

اقبال یغمایی (۱۳۹۸) در کتاب مدرسه دارالفنون و تاریخچه آن به نقش امیرکبیر در برپایی دارالفنون اشاره می‌کند و در ادامه به چگونگی برپایی دارالفنون، رشته‌های تحصیلی و معلمان دارالفنون می‌پردازد. او در کتابش خلاصه‌ای از چگونگی تدریس و آموزش رشته‌های مختلف دارالفنون آورده است و به اسامی برخی از شاگردان مدرسه نیز اشاراتی دارد و در ضمائم کتاب نیز به بخش مالی و بودجه مدرسه دارالفنون در سال ۱۳۰۴ می‌پردازد. کتاب یغمایی توصیف دقیقی از شکل‌گیری و فعالیت دارالفنون در دوره ناصری است.

ابراهیم توفیق و دیگران (۱۳۹۸) در کتاب مسأله علم و علم انسانی در دارالفنون عصر ناصری به جریان‌های فکری و علمی که در دارالفنون شکل گرفتند می‌پردازد. او سه جریان نجم‌الدوله، ملکم خان و خواجه عبدالله انصاری را از یکدیگر تفکیک می‌کند. جریان نجم‌الدوله علوم و دانش‌های جدیدی را که در دارالفنون تدریس می‌شد منافای با دانش‌ها و علوم سنتی نمی‌دانست. دانش‌های جدید می‌توانستند به دانش‌های قدیمی و مرسوم آن روزگار اضافه شوند و در فرایند حکم و اصلاح به پیش بروند. از این رو این جریان تلاش می‌کند علم جدید را در بستر حیات اجتماعی فهم و ترویج کند، به عبارت دیگر تلاش این جریان «بومی‌سازی علم جدید در دارالفنون» بود. جریان خواجه عبدالله انصاری اما متفاوت با نجم‌الدوله است. در این جریان فکری میان علوم جدید که در دارالفنون تدریس می‌شد و علوم قدیم که در مدارس دینی آموزش داده می‌شد تضادی آشتی‌ناپذیر برقرار است. این جریان علوم و فرهنگ قدیم را مانعی جدی بر سر گسترش علوم جدید در ایران می‌دانست. جریان ملکم خان نگاه و رویکردی فن

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۲۹

محورانه و ابزاری به علوم جدید دارد. این جریان علوم جدید را همچون تکنیک و فنی می‌داند که می‌توان وارد جامعه و دولت کرد و از آن بهره برد بدون اینکه سنت و دانش‌های قدیم را به چالش بکشد. جریان ملکم خان برخلاف خواجه عبدالله انصاری فرهنگ و دانش‌های مرسوم را چندان برای علوم جدید مخاطره‌آمیز نمی‌داند. در نتیجه گیری این کتاب ابراهیم توفیق و همکارانش نتیجه می‌گیرند که در پژوهش‌های تاریخی معاصر از مدرسه دارالفنون رویکرد عبدالله انصاری برجسته شده و تداوم یافته است و رویکردهای ملکم خان و نجم الدوله در دارالفنون حضوری کم رنگ داشته و یا به محاق رفته‌اند. غلبه رویکرد عبدالله انصاری بر رویکردهای ملکم خان و نجم الدوله پیامدهای مهمی در عرصه فکری و اندیشه ایرانیان پدید آورده است.

پژوهش‌های پیشین اغلب به چگونگی شکل‌گیری مدرسه دارالفنون پرداخته‌اند. در اغلب این پژوهش‌ها به ضرورت‌های سیاسی و زمینه اجتماعی شکل‌گیری مدرسه دارالفنون در دولت قاجار به شکل مبسوطی اشاره شده است. در پژوهش‌های انجام شده آنچه بیشتر مورد توجه است محتوای آموزشی و رشته‌های تحصیلی، معلمان مدرسه، رویکردهای آموزشی و چگونگی اداره و مدیریت مدرسه و تحولات اداری و سیاسی مدرسه در دوره ناصری بوده است. با وجود این، پژوهش‌های انجام شده خیلی کم و مختصر به اثرات و پیامدهای اجتماعی و سیاسی دارالفنون اشاره کرده‌اند. به بیان دیگر، پیامدها و تأثیرات اجتماعی سیاسی مدرسه دارالفنون در این پژوهش‌ها مغفول مانده و یا توجه اندکی به آن شده است. این مقاله تلاش کرده است که پیامدهای اجتماعی و سیاسی مدرسه دارالفنون را برجسته کند و تأثیرات و نتایج سیاسی و اجتماعی این نهاد آموزشی را در دولت قاجار و جامعه ایران بررسی کند. به اعتقاد مایکل اپل هرگونه سیاست‌گذاری آموزشی و تربیتی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی خاصی را به همراه داشته باشد (اپل، ۲۰۱۳) و نهادهای آموزشی می‌توانند با آموزش دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها افرادی را تربیت کنند که در تغییرات و تحولات اجتماعی نقش اساسی داشته باشند (ژیرو، ۱۹۸۵؛ مک‌لارن، ۱۹۸۹). پس هدف این مقاله بررسی تأثیرات سیاسی اجتماعی مدرسه دارالفنون در ایران دوره قاجار است. مدرسه دارالفنون اگرچه توسط دولت قاجار و به منظور رفع نیازهای حاکمیتی تأسیس شد اما پیامدهای سیاسی و اجتماعی خاصی به همراه داشت. فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون به تدریج وارد دستگاه دولت قاجار و جامعه شدند و تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در دستگاه

۳۰ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

سیاسی قاجار و جامعه ایران پدید آوردند. بدین ترتیب این مقاله در پی پاسخ به این سؤالات است: مدرسه دارالفنون چه تغییراتی در نظام سیاسی اجتماعی ایران ایجاد کرد؟ تأسیس مدرسه دارالفنون چه پیامدهای اجتماعی و سیاسی به همراه داشت؟

روش پژوهش

موضوع مورد مطالعه در این پژوهش از نوع موضوعات تاریخی است. در پژوهش‌های تاریخی، موضوعات مورد بررسی از نوع موضوعات منحصر به فرد هستند (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۳۵) به عبارت دیگر، وقایع تاریخی یک بار در تاریخ اتفاق افتاده و تکرار پذیر نیستند. مطالعات تاریخی، مطالعه آثاری است که در حال حاضر از گذشته باقی مانده است تا بتوان بر اساس این آثار گذشته را بازسازی کرد. بنا بر این ملاک اصلی شواهد موجودند نه آنچه در گذشته به وقوع پیوسته است (التون، ۱۳۸۶: ۲۰). بدین ترتیب هدف پژوهش تاریخی به کار بردن داده‌های مربوط به واقعیت‌های مرتبط با رویدادهای گذشته و تفسیر آن‌ها است و از این طریق می‌توان به عوامل مؤثر در بروز وقایعی که در گذشته رخ داده است پی برد و رویدادهای زمان حال را بهتر شناخت (سرمد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۲). این پژوهش با این ادعا آغاز شده است که مدرسه دارالفنون تأثیرات اجتماعی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای در دولت قاجار و جامعه ایران بر جای گذارده است. هدف این مقاله بررسی پیامدهای اجتماعی سیاسی مدرسه دارالفنون در دوره قاجار، به‌ویژه دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) است. روش گردآوری شواهد در این پژوهش، روش اسنادی است، بنا بر این در این پژوهش جامعه آماری مشتمل بر تمام اسناد و مدارک رسمی و غیررسمی مرتبط با مدرسه دارالفنون بوده است و از روش نمونه‌گیری هدفدار استفاده شده است. نمونه‌ها از اسنادی انتخاب شده‌اند که حاوی داده‌ها و اطلاعاتی باشند که در پاسخ دادن به سؤالات پژوهش به کار بیایند. با این هدف و با بهره‌گیری از روش تاریخی-تحلیلی اسناد تاریخی مربوط به فعالیت دارالفنون و تأثیرات اجتماعی سیاسی این مدرسه در بازه زمانی دوره قاجار جمع‌آوری شدند. در انتخاب اسناد تلاش شده است تا چهار معیار اصالت، اعتبار، نمایا بودن و معناداری رعایت شود (اسکات، ۱۹۹۰: ۶). بر اساس این اسناد تاریخی، تلاش شده است تا تأثیرات سیاسی اجتماعی مدرسه دارالفنون کشف و بازسازی شوند. اعتبار این پژوهش به اعتبار اسنادی است که ارائه شده است. اعتبار درونی پژوهش مبتنی بر اسناد

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۳۱

رسمی و غیررسمی دست اولی است که به ثبت رسیده و منتشر شده است و اعتبار بیرونی پژوهش بر اساس دیدگاه متخصصان تربیتی و صاحب نظران تاریخی است که این پژوهش تاریخی را داوری و نقد می کنند. تلاش شده است تا با استناد به اسناد دست اول، موثق، دقیق، و رسمی روایتی معتبر، قانع کننده و مستدل از پیامدهای اجتماعی سیاسی مدرسه دارالفنون ارائه شود.

تحلیل یافته ها

مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ق در ایران تأسیس شد. این مدرسه از اولین نهادهای آموزشی بود که دولت قاجار به منظور رفع نیازمندی های انسانی نظامی و اداری خود برپا نمود. دارالفنون مدرسه ای دولتی بود و با نهادهای آموزشی مرسوم آن روزگار تفاوت هایی داشت. محتوای آموزشی، رشته های تحصیلی معلمان مدرسه، شاگردان مدارس، سبک آموزش و نحوه اداره و مدیریت مدرسه با مدارس قدیمی و دینی آن زمان تفاوت هایی اساسی داشت. این مدرسه در اوایل دوره ناصری افتتاح شد و تا اواخر حکومت قاجار به فعالیت خود ادامه داد. اگرچه دارالفنون همواره روند رو به رشدی نداشت و تغییر در هیأت حاکمه قاجار بر فعالیت های مدرسه تأثیر مستقیمی داشت اما در مدرسه دارالفنون به تدریج نیروهای اجتماعی جدیدی تربیت شدند که توانستند نهادهای جدیدی را در ایران دایر سازند و نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی آینده ایران ایفا کنند. فارغ التحصیلان دارالفنون با مهارت ها و شایستگی هایی که در مدرسه کسب کرده بودند توانستند در بخش های مختلف دستگاه دولت به کار گرفته شوند. ۲۷ سال پس از تأسیس این مدرسه روزنامه دولتی ایران در مورد دستاوردهای این مدرسه می نویسد:

در دارالفنون ابتدا که معلم از فرنگستان آوردند از مملکت اطریشی خواستند در حقیقت علوم که در این مدرسه شروع شد و شیوع یافت از معلمین اطریشی بود اوایل آنها تعلیمات خود را آنجا انکشاف دادند بعد که به مرور آنها رفتند بعد از آنها معلمین مرکب شد از ایرانی و فرنگی. فرنگی ها بعضی فرانسه و برخی انگلیسی و ایتالیایی و دانمارکی و پروسی. لیکن الحال اغلب معلمین که تدریس می کنند ایرانی هستند که یا در فرنگستان تحصیل نموده اند یا در همین مدرسه تکمیل شده...مدرسه هم اکنون کمال ترقی را دارد و الان شاگردان فارغ التحصیل زیادند که بعضی مامور ولایت شده اند، برخی در میدان مشق تعلیم می دهند و بسیاری طبیب ها که پس از تکمیل از مدرسه بیرون آمده اند به ولایات

۳۲ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

محروسه مأمور طبابت گردیده و معالجات عمده نموده شهرت خوبی دارند. فی الحقیقه ابتدای ترقی و ظهور علوم و صنایع و رواج تربیت و مدنیت در این مملکت همه از این مدرسه شروع شده و خارج گردیده و خواهد شد (روزنامه ایران، شماره ۳۱۸، سال ۱۲۹۵ق)

بررسی اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهند که مدرسه دارالفنون به طور کلی سه پیامد مهم سیاسی اجتماعی به همراه داشت.

۱- فعالیت مدرسه دارالفنون شیوه واگذاری نقش‌های سیاسی-اداری را تغییر داد. تا پیش از تأسیس مدرسه دارالفنون مناصب دولتی به شکل انتسابی و موروثی از پدر به پسر منتقل می‌شد، اما با برپایی دارالفنون این قاعده تغییر کرد و به تدریج کسب مناصب و مشاغل دولتی منوط به تحصیل در دارالفنون شد (مستوفی، ۱۳۴۳). از آن پس تحصیل در دارالفنون و گرفتن تصدیق‌نامه از معلمان دارالفنون شرط کسب مناصب دولتی و حکومتی بود. فارغ التحصیلان مدرسه دارالفنون بر اساس شایستگی‌ها و مهارت‌هایی که کسب کرده بودند در بخش‌های نظامی، داخلی، وزارت خارجه، طبابت، پست و تلگرافخانه و سایر خدمات دولتی به کار گمارده می‌شدند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۳۱۴). پیچیدگی‌ها و تخصصی شدن برخی امور اداری سیاسی و نظامی نیازمند تربیت نیروهای انسانی کاردان و متخصصی بود که با علوم و فنون جدید آشنایی داشته باشند. بدین ترتیب مدرسه دارالفنون به مرکزی برای تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز دولت قاجار تبدیل شد و کارگزاران کشوری و لشکری دولت قاجار در مدرسه دارالفنون تربیت می‌شدند. در روزنامه وقایع اتفاقیه شرط کسب مناصب نظامی و دیوانی این طور آمده است:

عدم انتظام امور قشون دولت جاوید آیت را عمده علت این بود که در ایران از سو الف ایام الی الان این قاعده و قانون متداول گشته که از رؤساء صاحب منصبان اعالی و ادنی سپاه هر کدام مرحوم می‌شد اولادی که از او باقی می‌ماند لا محاله بایست به جای پدر منصوب و بی‌تحصیل علم و آداب ریاست و لشکرکشی اگرچه صبی و طفل رضیع باشد به منصب رفیع برقرار باشد و حال آنکه شخص تا سال‌ها به تعلیم قواعد هر شغلی و مراسم هر منصبی اشتغال نوزد سهل است تا در سفر و حضر و مصاعب و معارک پر خطر آزموده و مجرب نباشد خلاف خرم و منافی نظم است جمع کثیر و جم غفیر از بندگان الهی را به اختیار او وا گذاشتن چرا که تحصیل مناصب مناسب را استحقاق و استعدادی

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۳۳

مکتبی باید نه مورثی و نسبی، علی هذا سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی ابدالله عیشه و نصر جیشه برای حصول انتظام کلیه قشون نصرت نمودن قرار دادند که بدون استحقاق و استعداد و شایستگی احدی را به اعطای منصبی سرافرازی ندهند اگر چه ابا عنجدا از صاحب منصبان مناصب عالیه عکاسر نصرت مآثر و رؤسای قبایل و عشایر باشد هر یک از چاکران.... و صاحب منصبان و سران سپاه از امیر تومان تا سلطان و نایب که از دولت چشم داشت حقوق خدمت و قدمت دارند و موثق و مستظهرند که بعد از خود اولادشان جانشین و وارث منصب و مرسوم گردد باید در حال حیات خود در تربیت اولاد مراقبت کافیه مرعی داشته اولاد خود را بفرستند در مدرسه علوم دولتی به تعلیم و تحصیل علوم و قواعد لشکری قیام و اقدام نمایند تا از مراسم آن ربط کامل و سر رشته تام و تمام حاصل نماید و بعد از پدر به استحقاق منصب موروث را شایسته آید و الا محض رعایت حقوق اسلاف برای اخلاف اسباب حصول منصب معمول نخواهد بود و چشم داشت این عمل را بعد از این از دولت حق نخواهد داشت (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴۲۹، سال ۱۲۷۵ق).

آنطور که در این متن آمده است تحصیل در مدرسه دارالفنون شرط کسب مناصب لشکری و کشوری است. بدین ترتیب قاعده اعطای مناصب دولتی بر پایه تعلقات نسبی و سببی در دولت قاجار تغییر یافت. فرزندان بزرگان لشگری کشوری که تمایل داشتند در نقش‌های دولتی به خدمت پردازند بایستی در مدرسه دارالفنون ثبت نام می‌کردند و صلاحیت‌های لازم برای آن نقش را تحصیل می‌کردند. فارغ التحصیلان دارالفنون تنها پس از کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم در مشاغل کشوری و لشگری و گرفتن تصدیق‌نامه از دارالفنون در امور دولتی و نظامی به‌کار گرفته می‌شدند:

چون بعضی از متعلمین مدرسه در علم و عمل خود ترقی کرده‌اند و در تحصیل خود کامل شده‌اند و قابل آن شده‌اند که از مدرسه خارج شده به خدمت دیگر پردازند بر حسب امر اقدس اعلی حضرت شاهنشاه خلد الله ملکه چند نفر از نواب والا تصدیق داده روانه نزد امیر الامراء العظام سپهسالار نمودند که هر کدام را به قدر علم و عمل و شایستگی منصب داده مأمور به خدمات دیوانی نمایند و مقرر شده که باز از نجیب‌زادگان شاگردان تازه با استعداد به مدرسه آورده مشغول تحصیل باشند که دسته به دسته و فقره به فقره جمعی کامل شده به منصب برسند و جماعتی دیگر تحصیل نموده به کمال برسند هر یک از شاهزادگان و امرا و اعیان که اولاد با استعداد دارند خدمت نواب والا اعتضاد

۳۴ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

السلطنه فرستاده نواب معزی الیه فراخور استعداد هر یک در مدرسه دارالفنون به تحصیل امر باز داشته که ترقی حاصل نمایند (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴۰۸، سال ۱۲۷۵ ق).

با این وجود تحصیل در مدرسه دارالفنون برای عموم مردم ممکن نبود و تنها فرزندان نجیب‌زادگان قاجاری و امرا و اعیان دولت می‌توانستند در این مدرسه تحصیل کنند و سایر اقشار و طبقات دیگر به این مدرسه راهی نداشتند و کسب تصدیق‌نامه دارالفنون از شرایط اعطای مناصب نظامی و دیوانی به حساب می‌آمد برای نمونه شرایط طبابت و جراحی در نظام جدید این‌طور اعلام شد:

چون اطبا و جراحان نظام ظفر فرجام بعضی مردمان بی‌ربط و علم بودند و بدین جهت اغتشاش کلی در معالجات و جراحی آنها معلوم می‌شد علی‌هذا انتظام تمامی اطبا و جراحان نظام را به عهده اعتضاد السلطنه واگذار و مرحمت فرمودند تا هر کسی که بی‌اطلاع و بی‌علم و عمل است مداخله در امر طبابت و جراحی نکرده و از میان آنها هر کسی که با علم و عمل است مشغول خدمت افواج قاهره بود. و بعد از این هم همگی آنها در مدرسه مبارکه دارالفنون در مجلس درس میرزا رضای دکتر و میرزا سید رضا حکیم باشی افواج حاضر شده از طبابت و جراحی ایرانی و فرنگی در نزد مشارالیه‌ها تحصیل نموده ترقیات کلی حاصل نمایند (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۶۲۹، سال ۱۲۸۶ ق).

بر این اساس یکی از مهم‌ترین پیامدهای اصلی مدرسه دارالفنون تغییر ضوابط استخدام افراد در مناصب و پست‌های اداری و نظامی بود. به تدریج اشتغال در وزارتخانه‌های تخصصی همچون وزارت خارجه، نظام، داخله، پست و تلگراف، بهداشت، علوم و دیگر مؤسسات و سازمان‌های دولتی نیازمند کسب مدرک تحصیلی از دارالفنون شد. دیگر مانند گذشته نبود که فرزندان بزرگان کشوری و لشکری جایگاه پدرانشان در مناصب دولتی را میراث اجدادی خود بدانند. بدین ترتیب بزرگان و کارگزاران دولت قاجار برای حفظ و تداوم موقعیت شغلیشان، فرزندان خود را به مدرسه دارالفنون می‌فرستادند تا با گرفتن مدرک تحصیلی بتوانند شغل آبا و اجدادی خود را حفظ کنند. دریافت مدرک و تصدیق‌نامه دارالفنون نشانه تخصص و کاردانی و شایستگی فرد در بر عهده گرفتن برخی مشاغل دولتی به حساب می‌آمد و به نوعی اعتبار و منزلت اجتماعی و سیاسی به افراد می‌بخشید. بنا بر این تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر در سازمان‌ها و نهادهای دولتی در ابتدا از دارالفنون آغاز شد و در

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۳۵

سال‌های بعد و به تدریج به تمامی نیروهای انسانی متقاضی استخدام در مؤسسات و مشاغل تخصصی دولتی و غیردولتی تعمیم یافت.

۲- فارغ التحصیلان مدرسه دارالفنون نقش مهمی در برپایی برخی از نهادها و مؤسسات جدید و راه‌اندازی ابزارها و تکنولوژی‌های نوین در ایران دوره قاجار داشتند. برپایی دارالترجمه و انتشار کتاب، برپایی پست و تلگرافخانه، چاپ روزنامه، کشف معدن، نقشه‌کشی، برپایی بیمارستان، داروسازی، برپایی مدارس و آموزشگاه‌های جدید، راه‌اندازی چراغ‌های گازی و الکتریکی، تأسیس بانک، تشکیل نظمی، احداث پل‌ها و جاده‌ها، بنا کردن ساختمان‌هایی به طرز جدید و راه‌اندازی حمل و نقل ریلی اغلب از دستاوردهای تربیت یافتگان دارالفنون به شمار می‌آید.

در عرصه سیاسی برخی از فارغ‌التحصیلان دارالفنون توانستند به عضویت در دارالشوری و هیأت وزیران درآیند و بر حسب تخصص‌هایشان در بخش‌های مختلف وزارتخانه‌های خارجه، پست و تلگراف، علوم، نظام، حفظ‌الصحه، و... به‌کار گرفته شدند. برخی از تحصیل‌کردگان دارالفنون به اصلاح‌گران و اصلاح‌طلبان سیاسی دولت قاجار تبدیل شدند و نقش مهمی در اصلاح و قانونمند سازی دولت قاجار داشتند (آدمیت، ۱۳۵۱). برخی از آنها نیز به عنوان نمایندگان سیاسی به کشورهای دیگر اعزام می‌شدند. عده دیگری از آنان نیز در مدارس مشیری (۱۲۸۹ق) نظامیه اصفهان (۱۳۰۰ق) و دارالفنون تبریز (۱۲۹۰ق) و سایر شعبات دیگر دارالفنون به معلمی و آموزش پرداختند. تحصیل‌کردگان دارالفنون نقش مهمی در شکل‌گیری نهادهای آموزش تخصصی همچون مدرسه سیاسی (۱۳۱۷ق) و مدرسه فلاح (۱۳۱۹ق) و دارالمعلمین (۱۳۳۶ق) در دولت قاجار داشتند.

در حوزه اجتماعی فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون نقش مهمی در برپایی اولین مدارس عمومی در ایران داشتند. برخی از فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون از مؤسسان مدارس ابتدایی و متوسطه در دوره مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) بودند. بسیاری از آنها به عنوان معلم علوم و دانش‌های جدیدی همچون تاریخ و جغرافیا و حساب و علوم طبیعی و زبان‌های خارجی را آموزش می‌دادند و نقش مهمی در برپایی و تداوم مدارس جدید و آموزش عمومی در ایران داشتند (دولت آبادی، ۱۳۶۱).

۳۶ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

علاوه بر این بزرگان دولت قاجار نیروی انسانی متخصص مورد نیاز نهادها و مؤسسات جدید را از فارغ التحصیلان دارالفنون انتخاب می‌کردند. زیرا آنها دانش‌ها و مهارت‌هایی را فرا گرفته بودند که امکان اشتغال آنها در مؤسسات و مشاغل جدید را فراهم می‌ساخت

با سعی و کوشش‌های اعتضادالسلطنه فارغ التحصیلان دارالفنون در مشاغلی چون تلگرافخانه و کارهای فنی که در اداره خود دارد استفاده می‌کند. برخی نیز به کشف معدن پرداخته برخی در مریض‌خانه‌ها مشغول به کار شده برخی در نوشتن روزنامه و برخی دیگر نیز وارد نظام می‌شدند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۱۰۵).

از مهم‌ترین مؤسسات جدیدی که توسط معلمان و دانش‌آموختگان دارالفنون برپا شد و اهمیت خاصی برای حاکمیت قاجار داشت «تلگرافخانه» بود. برپایی تلگرافخانه و گسترش آن در سراسر ایران توسط تحصیل‌کردگان دارالفنون انجام شد. در هر شهر و ولایتی تلگرافخانه دایر شد و توسط فارغ التحصیلان دارالفنون اداره و مدیریت می‌شد. برپایی تلگرافخانه و فعالیت آن تأثیرات مهمی در حاکمیت قاجار داشت. تلگرافخانه این امکان را به دولت قاجار می‌داد که به اوضاع و اخبار ایالات و ولایات در کمترین زمان اطلاع حاصل کند. همچنین اوامر و دستورات دولتی را در کوتاه‌ترین زمان به کارگزاران ایالتی و ولایتی ابلاغ کند. اولیای دولت می‌توانستند از طریق تلگرافخانه اطلاعات دقیق‌تری از سراسر مملکت داشته باشند و اوضاع مملکت کنترل داشته باشند. بدین ترتیب تلگرافخانه توانایی دولت را در اداره مملکت افزایش داد و حاکمیت دولت قاجار را بر سراسر مملکت ممکن ساخت. علاوه بر این دولت قاجار از طریق تلگرافخانه در کمترین زمان از تحولاتی که در ممالک خارجی رخ می‌داد اطلاع می‌یافت و بدین ترتیب می‌توانست روابط سیاسی خود را با دولت‌های خارجی هماهنگ کند.

دارالفنون پیامدهای سیاسی دیگری نیز داشت. شاگردان دارالفنون برای اولین بار نقشه‌ای از شهر تهران رسم کردند و در اختیار دولت قرار دادند. حاکم تهران می‌توانست از طریق این نقشه اطلاعات دقیق‌تری از تهران داشته باشد و بدین ترتیب کنترل و نظارت بیشتری را در اداره شهر به دست آورد.

از اوقاتی که نواب اشرف والا اعتضادالسلطنه در امورات مدرسه دارالفنون و تربیت و تقویت متعلمین آنجا اهتمام نموده‌اند ترقی کلی در تحصیل آنها ظاهر

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۳۷

شده از آن جمله شرح تلگراف سابقاً در روزنامه مرقوم شده بعد از آن به عمل نقشه‌کشی پرداختند و متعلمین توپخانه به کوه الوند و البرز رفتند و ارتفاع هر یک را مشخص نمودند و معلم توپخانه در این امر جهد وافی کرده و شاگردان نقشه شهر و خارج شهر را موافق قاعده و قانون هندسی کشیدند و نقشه شهر را به وضعی شایسته و درست ساختند که کل عمارت ارگ مبارکه و باغات و بیوتات و کوچه‌های شهر در محل خود مشخص و معین می‌گردد و آن نقشه را آن چنان خوب کشیده‌اند که با نقشه کار فرنگستان فرقی ندارد (روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴۰۸ سال ۱۲۷۵ق).

بدین ترتیب با تهیه نقشه تهران و سایر ایالات و ولایات توسط فارغ‌التحصیلان دارالفنون این امکان به حاکمان قاجاری داد تا با اطلاعات کامل‌تر و دقیق‌تری در ممالک محروسه خود حکومت کنند. علاوه بر نقشه تهران نقشه‌های دیگری نیز از ایالات و ولایات و نیز از ممالک دیگر ترسیم و ترجمه شد که نقش مهمی در افزایش اطلاعات جغرافیایی و تاریخی- سیاسی حکام قجری و نمایندگان سیاسی دولت قاجار داشت.

از دیگر پیامدهای اجتماعی مدرسه دارالفنون می‌توان به برپایی مریم‌خانه و داروخانه‌ای اشاره کرد که به شیوه‌های جدیدی به بررسی و درمان بیماری‌ها می‌پرداختند. برخی از فارغ‌التحصیلان دارالفنون به مشهورترین و بنام‌ترین پزشکان دوره خود تبدیل شدند. پزشکیانی که از دارالفنون فارغ‌التحصیل شده بودند در درمان بیماری‌ها و جراحی‌هایی که طبیبان سنتی اطلاعی از آنها نداشت موفق عمل می‌کردند و بدین ترتیب شایستگی‌ها و صلاحیت‌های خود را بر طبیبان سنتی به رخ می‌کشیدند. اقداماتی چون آبله‌کوبی، درمان سنگ کلیه، جراحی‌های کوچک، تشریح اعضاء، ساخت داروهای جدید و انتشار مفاهیم جدیدی از پزشکی و دارو سازی از دستاوردهای مهم دارالفنون به حساب می‌آمد (پولاک، ۱۳۶۹). به همین دلیل هر کدام از شاهان قجری طبیب مخصوص خود را داشتند و درباریان و شاهزادگان و امرای قجری نیز از اطلاعات و تخصص‌های طبیبانی که از دارالفنون فارغ‌التحصیل شده بودند بهره می‌بردند.

تحصیل‌کردگان مدرسه دارالفنون بر اساس علوم و فنی که در مدرسه آموخته بودند توانستند تکنولوژی‌های جدیدی طراحی و به‌کار ببندند. برخی از آنها به کمک دانشجویانی که برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شده بودند توانستند تکنولوژی‌ها و

۳۸ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

ابزارهای جدیدی را که به ایران وارد شده بود راه اندازی و استفاده کنند. فارغ التحصیلان دارالفنون نقش مهمی در به کارگیری چراغ‌های الکتریسته و چراغ‌های گازی، راه اندازی تلمبه آب، استخراج معدن و احداث جاده برای کالسه و درشکه رانی، راه اندازی کارگاه‌های کبریت سازی و شمع سازی و سماور سازی و راه اندازی خط راه آهن و برپایی ساختمان‌ها و عمارت‌هایی به سبک جدید داشتند.

دستاوردهای فنی فارغ التحصیلان دارالفنون و مهارت‌های آنان در تأسیس نهادهای جدید و راه اندازی برخی از ابزارها و تکنولوژی‌های نوین موجب افزایش مقبولیت و رضایت حاکمان قجری از این نهاد آموزشی شده بود و به تدریج مدرسه دارالفنون دارای شعبات تخصصی بیشتری چون زبان‌های خارجی، طب، موسیقی و نقاشی غیره شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴) تحصیل کردگان دارالفنون توانستند نهادهای جدیدی در دستگاه دولت قاجار برپا سازند و تکنولوژی‌های نوین راه اندازی کردند که نقش مهمی در ارتباط و ساماندهی به دولت قاجار و تربیت ملت داشتند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که مدرسه دارالفنون در تربیت و آموزش نیروهای ترقی خواه و تحول خواه سیاسی و اجتماعی نقش مهمی داشت (آدمیت، ۱۳۷۸).

۳- برپایی دارالفنون دانش‌ها، مفاهیم و اطلاعات جدیدی را در بین حاکمان قجری و توده مردم منتشر کرد. این مدرسه نقش مهمی در تحولات فکری و تغییرات فرهنگی آینده ایران داشت. فارغ التحصیلان دارالفنون با تألیف و ترجمه کتاب، انتشار روزنامه و آموزش در مدارس نقش مهمی در انتقال دانش‌ها و مفاهیم جدید در ایران داشتند. در روزنامه وقایع اتفاقیه در باره بازدید ناصرالدین شاه از یکی از کلاس‌های درس حکمت طبیعی چنین آمده است:

چون جناب فرخ خان امین‌الملک آلات و ادوات مخصوص این علم را از فرنگستان به جهت دولت علیه ابتیاع نموده و به دارالخلافه آورده و بعضی از آنها در مدرسه حاضر بود اعمال غریبه در حضور باهر النور اعلیحضرت شاهنشاهی نمودند و از آن جمله اسباب خلاء هواست که ظرف بلوری که با هوا بود گنجشکی در آن گذاشتند و بعد هوای آن را به واسطه اسبابی که در پهلوی آن ظرف بود کشیده و فی الفور آن گنجشک مرد. و دیگر به قوه چرخ الماس مفتول آهن را در چند ثانیه آب کردند و سوای اینها اعمال دیگر نیز از علوم حکمت طبیعی در حضور مبارک به ظهور رسید (شماره ۴۱۵، سال ۱۲۷۵ق).

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۳۹

برپایی آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی و آشنایی شاگردان دارالفنون با اسکلت انسان و نیز حیوانات و تشریح اجساد در درس‌های پزشکی و علوم طبیعی، عقلانیت علمی و تجربی را در میان شاگردان این مدارس درونی می‌ساخت و نگرش‌ها و اعتقادات سنتی و عرفی آنها در مورد طبیعت و انسان را به چالش می‌کشید.

علاوه بر این برپایی دارالترجمه و امکان ترجمه و انتشار کتاب و روزنامه باعث شد اطلاعات و دانش‌های جدید به صورت گسترده‌ای در سطح دولت و ملت منتشر شود. کتاب‌هایی که در دارالفنون ترجمه شده و تدریس می‌شد به تدریج در بیرون از مدرسه در روزنامه‌ها و کتاب‌ها منتشر شدند. فریدون آدمیت در کتاب امیرکبیر و ایران می‌نویسد که ترجمه و انتشار سه کتاب گفتار در روش نوشته دکارت در سال ۱۲۷۹ق، و فلک السعادة در سال ۱۲۷۸ق و رساله‌ای در عقاید داروین در سال ۱۲۸۷ق تأثیر شگفتی بر نظام فکری و تربیتی شاگردان دارالفنون گذاشت.

کنت دوگوبینو از معلمان دارالفنون در باره تأثیر کتاب دکارت بر محصلان دارالفنون می‌نویسد:

جلساتی که پنج فصل از شاهکار دکارت را به پاره‌ای از دانشمندان متفکر و باهوش ایرانی ارائه دادم هرگز فراموش نخواهم کرد آن فصول پنج‌گانه در آنها تأثیرات فوق‌العاده کرد و البته این تأثیرات بی‌نتیجه نخواهد ماند چیزی که بیشتر در آنها تأثیر کرد همان دستور اساسی است که چون فکر می‌کنم پس هستم (به نقل از آدمیت، ۱۳۷۸: ۲۱).

اگر چه در ابتدا این تأثیرات محدود به شاگردان دارالفنون بود و در سطح عمومی امکان انتشار نداشت ولی به تدریج با انتشار و رواج روزنامه‌های دولتی و غیر دولتی دانش‌ها و اطلاعاتی که در سطح دارالفنون منتشر می‌شد در سطح عمومی نیز اشاعه یافت و بر نظام باورها و اعتقادات عمومی تأثیر می‌گذاشت. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دارالفنون اقدام به تألیف کتاب‌هایی با موضوعات علمی همچون پزشکی، ریاضیات، نجوم مهندسی و تاریخ و جغرافیا کردند و برخی از آنها نیز به ترجمه کتابهای خارجی در زمینه‌های مختلف پرداختند.

در دارالفنون کتاب‌های ریاضی، طب و جراحی و شیمی و فیزیک و داروسازی و نجوم ترجمه و تدریس می‌شد. این ترجمه‌ها و انتشار آن از طریق روزنامه و کتاب در جامعه کسانی را که با این گونه تحصیلات از راه مدرسه پیوستگی

۴۰ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

نیافته بودند از کسب فیض جدید دانش محروم نمی‌گذاشت و چه بسا پزشکان قدیم به کمک مطالعه آثار شلیمر و پولاک و میرزا علی دکتر و میرزا محمد کرمانشاهی و میرزا ابوالحسن خان و ناظم الاطبا از معلومات طب جدید استفاده می‌کردند و در تغییر روش معالجات خود از دستورات نافع‌تری پیروی می‌نمودند (محیط طباطبایی، ۱۳۵۴: ۱۹۴).

بدین ترتیب با تأسیس و فعالیت دارالفنون طبقه اجتماعی جدیدی در ایران شکل گرفت که با عنوان تحصیل کردگان دارالفنون یا دارالفنون دیده شناخته می‌شدند این افراد جزو اولین تحصیل کردگان جامعه ایران محسوب می‌شدند. فارغ‌التحصیلان این مدرسه به دلیل شایستگی‌ها و مهارت‌هایی که کسب کرده بودند می‌توانستند در مشاغل اداری و نظامی دولت قاجار به فعالیت بپردازند. با تخصصی شدن مشاغل در مؤسسات دولتی به تدریج تحصیل در دارالفنون و کسب مدارک تحصیلی این مدرسه شرط کسب مناصب دولتی شد. این طبقه اجتماعی نقش مهمی در برپایی نهادها و قاعده‌مند ساختن مؤسسات جدید اجتماعی و سیاسی در ایران داشت. همچنین این طبقه اجتماعی به همراه فارغ‌التحصیلان فرنگ‌رفته توانستند تکنولوژی‌های جدیدی را در ایران راه‌اندازی نمایند. از دیگر پیامدهای مدرسه دارالفنون انتشار معارف و دانش‌هایی بود که با نظام دانش و عقلانیت مرسوم آن روزگار تفاوت‌هایی داشت. اشاعه این دانش‌ها و مفاهیم موجب شکل‌گیری نگرش‌ها و بینش‌های جدیدی در جامعه ایران و دولت قاجار شد که بر تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران تأثیرات عمیق و پایداری داشت. البته پر واضح است که نمی‌توان تمام تحولات سیاسی اجتماعی دوره قاجار را به فعالیت‌های دارالفنون تقلیل داد بلکه دارالفنون تنها یکی از عوامل و زمینه‌های تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی در ایران به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

مدرسه دارالفنون اولین نهاد آموزشی جدید است که در دوره قاجار با هدف تأمین و آموزش کادر اداری و نظامی دولت برپا شد. پژوهش‌های بسیاری در باره این مدرسه انجام شده است اما در اغلب این پژوهش‌ها پیامدهای سیاسی اجتماعی این مدرسه مغفول مانده است. برخی از متفکران اجتماعی و تربیتی همچون هنری ژيرو، مایکل اپل، پائولوفریره و مک لارن بر پیامدهای اجتماعی و سیاسی نظام‌های تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند و امر تعلیم و تربیت را خنثی و بی‌طرف نمی‌دانند. هرگونه سیاست‌گذاری

نقش مدرسه دارالفنون در تحولات اجتماعی سیاسی ایران دوره قاجار / ۴۱

آموزشی و تربیتی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی خاصی را به همراه داشته باشد. بر این اساس هدف این مقاله بررسی پیامدهای سیاسی اجتماعی مدرسه دارالفنون در دولت و ملت دوره قاجار است.

سه پیامد اساسی برای مدرسه می‌توان در نظر گرفت: ۱- مدرسه دارالفنون واگذاری نقش‌های سیاسی را تغییر داد. تا پیش از تأسیس مدرسه دارالفنون مناصب و پست‌های دولتی امری انتسابی تلقی می‌شد، اما هدف از تأسیس مدرسه دارالفنون تربیت افرادی بود که نیازهای نظامی و اداری دولت قاجار را بر طرف سازد؛ ۲- نهادهای سیاسی و اجتماعی جدیدی توسط فارغ‌التحصیلان دارالفنون برپا شدند که در ساماندهی دولت و تغییرات ساخت اجتماعی جامعه ایران نقش مهمی داشتند؛ ۳- مفاهیم، دانش‌ها و اطلاعات جدیدی از مدرسه دارالفنون در سطح جامعه و دولت قاجار منتشر شد. این مفاهیم و دانش‌های جدید نظام فکری و شناختی ایرانیان را متحول کرد. فراگیری این مفاهیم و دانش‌ها منجر به تغییراتی در حیات اجتماعی ایرانیان و رابطه متقابل جامعه با دولت و طبیعت و جوامع دیگر شد. این اندیشه‌ها و دانش‌های جدید از طریق چاپ کتاب و روزنامه و توسعه مدارس عمومی در میان توده مردم منتشر شد و بر نگرش، جهان‌بینی و گرایش‌های سیاسی اجتماعی آنها تأثیرات عمیقی داشت.

۴۲ / تاریخ علم، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۷۸ش). امیرکبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۱ش). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی.
- التون، ج.ر. (۱۳۸۶ش). شیوه تاریخ‌نگاری، ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: نشر تاریخ ایران.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۹۷ش). دارالفنون. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توفیق، ابراهیم. (۱۳۹۹ش) مسأله علم و علم انسانی در دارالفنون عصر ناصری. به همراه مهدی یوسفی و آرش حیدری. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- پولاک، یاکوب. (۱۳۶۸ش). سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- روزنامه ایران (۱۲۸۸ق-۱۳۲۱ق). شماره ۳۱۸.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۷ق-۱۳۲۴ق) شماره‌های ۴۱۵، ۴۰۸، ۴۲۹، ۴۲۹.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۶۱ش). حیات یحیی. تهران: فردوسی.
- ساعی، علی. (۱۳۸۶ش). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: سمت.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان، الهه حجازی. (۱۳۹۸ش). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگه.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳ش). تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. جلد اول. تهران: تهران مصور.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۴ش). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: انجمن دانشجویان دانشگاه تهران.
- محمدی، محمود. (۱۳۹۹ش). «نقش معلمان و شاگردان مدارس جدید در انقلاب مشروطه ایران». مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۴۱۱-۴۳۵.
- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۵۴ش). «دارالفنون و امیرکبیر». مجموعه مقالات امیرکبیر و دارالفنون. گردآوری قدرت‌الله روشنی زعفرانلو. تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- یغمایی، اقبال. (۱۳۹۸ش). مدرسه دارالفنون و تاریخچه آن. تهران: انتشارات مگستان.
- Appel, W. M. (2013). *Can education change society?* New York: Routledge.
- Giroux, H. (1985). *Teachers as intellectuals: Toward a Critical Pedagogy of Learning*. New York: Bergin & Garvey.
- McLaren, P. (1989). *Life in School: An Introduction to Critical pedagogy in the Foundation of Education*. New York: Longman Inc.
- Scott, j. (1990). *A Matter of Record-Documentary Sources in Social Research*. Cambridge: Polity.